



د افغانستان د اقتصادي او حقوقي مطالعاتو موسسه
موسسه مطالعات اقتصادي و حقوقي افغانستان
Afghanistan Economic & Legal Studies Organization

دو دهه پویایی زنان در عرصه‌ی تحصیلی در افغانستان

نویسنده: حکیم پویا

مقدمه:

دستیابی به تحصیلات عالی و برخورداری از مهارت‌های بالای علمی، از کلیدی‌ترین عوامل رشد توان‌مندی‌ها و ظرفیت‌های فردی و گروهی است. تغییرات و تحولات در شیوه‌های زیست و تغییر پارادایم جهان از جامعه‌ی صنعتی به جامعه‌ی اطلاعاتی، تحصیل برتر برای رسیدن به مشاغل خوب، کسب هویت ممتاز و شخصیت بالای اجتماعی را ضروری ساخته است. یکی از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش درجه‌ی توسعه‌یافته‌گی یک کشور، میزان اهمیت، دانش و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می‌باشند. آموزش زنان بهترین راه برای توسعه‌ی سلامتی، رشد و بهبود وضعیت فرهنگی-اقتصادی آنهاست. آموزش به‌خصوص تحصیلات دانشگاهی یکی از عوامل مهم برای توسعه‌ی هر کشوری است و جزئی از حقوق اساسی انسان‌ها محسوب می‌شود.

آموزش زنان می‌تواند یکی از موثرترین راه برای از بین بردن تبعیض و نابرابری جنسیتی باشد. از آنجا که وقتی زنان تعلیم و تحصیل، مهارت‌ها و توانایی‌های لازم برای حضور در جامعه را دارند، می‌توانند با نابرابری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جنسیتی و آموزشی در جوامع و زندگی خود مبارزه کنند.

آموزش زنان در افغانستان یکی از مسایل مهم و در خیلی موارد چالش‌برانگیز بوده است زیرا عوامل متعدد باعث محدودیت و محروم ساختن زنان از حق تعلیم و تحصیل شده است. اما باوجود همه محدودیت‌ها در بیست سال گذشته زمینه‌ی مناسب و درخشان برای آموزش زنان مساعد گردیده بود که به یکبارگی و با تغییر جو سیاسی این زمینه‌ها محدود و فضای آموزشی برای زنان در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت. در این مقاله به صورت فشرده به تاریخچه وضعیت تعلیم و تحصیل زنان، وضعیت تحصیلی زنان در بیست ساله گذشته، چالش‌ها و راه‌حل‌های آن تمرکز صورت گرفته است تا باعث باز شدن بحث بیشتر در این زمینه گردد.

زنان و تحصیلات عالی

تلاش برای فراهم‌سازی تحصیلات رسمی زنان و دختران در افغانستان، تاریخ طولانی دارد. در سال ۱۲۹۸ ه.ش در دوران امان‌الله خان نخستین فرصت‌های تحصیلی برای زنان فراهم شد. این فرصت‌های تحصیلی هم‌زمان با تأسیس دانشگاه کابل در سال ۱۳۱۱ ه.ش آغاز شد و این روند هم‌چنان تا سال ۱۳۷۱ ه.ش ادامه یافت. در جریان سال‌های ۱۳۶۰ الی اواخر ۱۳۷۰ که تعداد بیش‌تر جوانان به خدمت سربازی سوق داده شدند، محصلان دختر بیش‌تر در تحصیلات عالی جذب شدند. تا سال ۱۳۶۹ تعداد جذب دختران رو به افزایش بود، ولی طی دهه‌ی ۷۰ کاهش فزاینده‌ای یافت تا آن‌که در دوره‌ی اول حاکمیت طالبان مکاتب ثانوی و دانشگاه‌ها به روی زنان مسدود شد.

در سال ۱۳۸۱ مؤسسات تعلیمی و تحصیلی به روی زنان دوباره گشوده شد و روند شمولیت دختران در مکتب‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی افزایش یافت. تعداد محصلان دختر از صفر در سال ۱۳۸۱ به ۴۹۰۶۷ تن در نهادهای تحصیلات عالی دولتی در سال ۱۳۹۷ رسید. هم‌چنان تعداد استادان زن از ۲۰۴ تن در سال ۱۳۸۱ به ۸۲۲ تن در سال ۱۳۹۷ افزایش یافت. تعداد محصلان دختر در مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی نیز از ۲۶۶۹ تن در سال ۱۳۸۹ به ۵۲۶۹۶ تن در سال ۱۳۹۷ افزایش یافت و تعداد استادان زن در مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی از ۵۶ تن در سال ۱۳۸۹ به ۱۶۱۷ تن در سال ۱۳۹۷ افزایش را نشان می‌دهد. هم‌چنان در سال ۱۳۹۸ از میان ۱۴۲۳۸۶ دانشجو در نهادهای تحصیلی دولتی، ۵۴۸۶۱ تن آن دختران اند و این رقم با گذشت هر سال افزوده می‌شود. تا سال ۱۴۰۰ در افغانستان حدود ۵۰۰ هزار دانشجو وجود داشت که ۳۰ درصد آن را دختران تشکیل می‌داد.

طی بیست سال گذشته، تحصیلات عالی در افغانستان کوشید تا بخشی از کمبود قوای بشری را با تربیت جوانان این کشور جبران کند. در سال ۱۳۸۱ تحصیلات عالی افغانستان در بسیاری بخش‌ها کارهایش را از نو شروع کرد و جان تازه گرفت. در این سال زنان از نقش کم‌تری در تحصیلات عالی برخوردار بودند و زمینه‌ی مناسب بنابر دلایل متعدد برای آن‌ها جهت حضور در نهادهای تحصیلی مساعد نبود؛ اما در چند سال اخیر نقش و حضور زنان در تحصیلات عالی سیر صعودی خود را پیمود.

در بیست سال گذشته جهت حمایت هرچه بیش‌تر زنان، زمینه‌ی تحصیلات عالی در مقاطع مختلف در خارج از کشور برای آنان فراهم و توجه نهادهای تحصیلی خارجی جهت حمایت از زنان جلب شد که از این میان دانشگاه آسیایی زنان سالانه ۵۰ سیت بورسیه تحصیلی را برای زنان اختصاص داد و هم‌چنان زنان و

دختران جهت ادامه‌ی تحصیل به کشورهای مختلف فرستاده شد. حضور زنان در دانشگاه‌ها به مثابه‌ی نهادهای تحصیلی نسبت به اکثر بخش‌های دیگر امیدوارکننده بود. نقش زنان در رهبری و تصمیم‌گیری در ولایات متفاوت است. در بسیاری از ولایات فرصت‌های مشارکت زنان در رهبری نسبتاً بهتر بوده، اما در بعضی ولایت‌های دیگر نسبت مشکلات فرهنگی، اجتماعی و امنیتی؛ نگرانی‌ها و چالش‌هایی وجود دارد که حضور زنان را در سطوح مختلف ادارات محدود می‌سازد.

در دو دهه‌ی اخیر مشکلات موجود برای حضور زنان مورد بررسی قرار گرفت و با تدوین برنامه‌ها و استراتژی‌ها، راه‌های غلبه بر آن تدوین گردید که از جمله می‌توان استراتژی جنسیتی و پالیسی منع تبعیض و استراتژی منع آزار و اذیت جنسی در نهادهای تحصیلات عالی را نام برد. با نظارت مداوم، تطبیق پالیسی تبعیض مثبت، اتخاذ تصمیم اصلاحی و اقدامات حمایتی تلاش صورت گرفت تا تعداد زنان در نهادهای تحصیلی افزایش و فرصت‌ها را برای اعضای کادر علمی و دانشجوین دختر بیشتر مساعد سازد.

نظام تحصیلی افغانستان با در نظر داشت ماده‌ی ۴۳ قانون اساسی که می‌گوید «تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در موسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌گردد»، متعهد است تا برای همه‌ی شهروندان کشور بدون تبعیض میان زن و مرد بر علاوه خدمات تحصیلی، تساوی جندر را به شکل عادلانه مدنظر داشته باشد و زمینه‌های افزایش حضور زنان و دختران را در نهادهای تحصیلات عالی به عنوان استاد، دانشجو و کارمند فراهم سازد.

توسعه تحصیلات عالی با کیفیت و دارای شرایط و امکانات مساعد برای تساوی جندر بر مبنای ارزش‌های چون تساوی حقوق، شایسته‌سالاری، موازین اسلامی، هم‌بستگی ملی، مسوولیت‌پذیری و آمادگی برای خدمت‌گذاری به افغانستان، دیدگاه نظام تحصیلی در قبال زنان بود که برای تحقق آن فعالیت‌های موثر صورت گرفت و برنامه‌های مفید دیگر نیز روی دست گرفته شده بود تا برای افزایش حضور معنادار زنان در نظام تحصیلی کشور به منصفی اجرا گذاشته شود.

در دو دهه‌ی اخیر با وجود دست‌آوردهای خوب در بخش حضور زنان در نظام تحصیلی افغانستان، چالش‌های جدی نیز وجود داشت که زمینه را برای حضور هرچه بیشتر زنان به نحوی با مشکل مواجه می‌ساخت. فساد اداری، فرهنگ‌های ناپسند در جامعه، ناامنی‌ها، نبود و کمبود بودجه‌ی کافی، برخوردهای دوگانه و تبعیض آمیز و ... از جمله چالش‌های عمده فراراه زنان در نظام تحصیلی کشور بود که نمی‌گذاشت زنان هرچه بیشتر رشد کرده و زمینه برای موفقیت‌های شان بازتر گردد.

اما باوجود آن هم زنان و دختران در دو دهه‌ی اخیر در بخش تعلیم و تحصیل پیشرفت‌های خوبی داشتند که با سقوط حکومت همه دست‌آوردها و پیشرفت‌های آنان با چالش جدی مواجه گردید، سرنوشت تاریک و مبهم یک‌بار دیگر به سراغ آنان آمد، دروازه‌های مکتب‌ها و دانشگاه‌ها به روی شان بسته شد، زمینه‌ی کار و تجارت برای شان محدود گردید و متاثرکننده‌تر از آن اینکه؛ ترک تحصیل در میان دختران آغاز و با گذشت زمان روزافزون می‌گردد.

با سقوط حکومت، سرنوشت زنان در نظام تحصیلی مبهم، ناامیدکننده و در حال از بین رفتن است چون انگیزه و امید برای تحصیل زنان کاهش یافته و ترس و نگرانی از وضعیت موجود دختران را وادار به ترک تحصیل می‌نماید و یک‌بار دیگر حضور زنان در نظام تحصیلی افغانستان کم‌رنگ می‌شود و زنان از حق اساسی تعلیم و تحصیل محروم و به حاشیه رانده می‌شود که این وضعیت برای جامعه عواقب ناگوار در پی دارد و زمینه‌ی ایجاد جامعه مترقی و مرفه را به چالش مواجه می‌سازد و از سوی دیگر زنگ خطر سقوط بی‌سوادی را در میان نسل جوان امروز در افغانستان به صدا درمی‌آورد.

راه‌حل‌ها

تعلیم و تحصیل از حقوق بنیادی انسان به شمار می‌رود و محروم ساختن جوانان به‌ویژه دختران از این حق مسلم جفای بزرگ در حق نسلی است که می‌خواهند با قلم و کتاب آینده‌ی روشن و مرفه را برای کشور شان رقم بزنند.

برای اینکه زنان بتواند دوباره به آموزش ادامه دهند نیاز است تا برای رفع ذهنیت‌های بدبینانه برای تحصیل دختران گفتمان ملی با شرکت علمای دین، استادان دانشگاه‌ها، اهل نظر، متخصصین، دانشمندان و حتا علمای کشورهای اسلامی برگزار گردد تا تمام بدبینی‌ها، مخالفت‌ها و چالش‌ها به شکل منطقی مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد و یک دیدگاه مشترک و جمعی برای حمایت از آموزش زنان در یک چارچوب منظم به وجود بیاید تا این دیدگاه مشترک برای تمام افکار منفی علیه آموزش زن، یک رهنمود و پاسخ محکم باشد. و به این ترتیب هیچ‌گاه افراد و گروه‌ها در مخالفت با آموزش زنان قدم و قلم نزنند.

فراهم ساختن زمینه و امکانات لازم برای آموزش جداگانه‌ی دختران امر حتمی و نیاز جدی است تا با استفاده از آن فضای مصئون و عاری از چالش برای زنان مساعد گردد و این کار با توجه به شرایط موجود زمان‌گیر و نهایت دشوار است و نیاز به بودجه، نیروی بشری، مکان، تجهیزات و... دارد. باوجود تغییر جو سیاسی در افغانستان انگیزه نسل جوان به‌ویژه دختران جهت کسب دانش و رفتن به دانشگاه، دچار آسیب

جدی شده و ایجاد محدودیت برای آنان، این آسیب را تقویت و حتا باعث ترک تحصیل دختران شده که نیاز است این انگیزه دوباره با حمایت و باز شدن مراکز آموزشی بر روی زنان، زنده گردد.

رفع چالش‌های فرهنگی در جامعه یکی دیگر از راه‌حل‌های مناسب برای فراهم شدن زمینه‌ی آموزش دختران است زیرا موانع فرهنگی از عوامل اصلی محدودیت آموزش دختران در افغانستان می‌باشد و این موانع سد بزرگی را در طول تاریخ فراراه آموزش دختران به وجود آورده است. رسانه‌ها، علما و نهادهای آموزشی نسبت به هربخش دیگر، نقش کلیدی در از میان بردن موانع فرهنگی دارند زیرا با تدویر برنامه‌های علمی و رهنمودی و تبلیغات هدفمند می‌توان ذهنیت‌ها را تغییر و چالش‌های فرهنگی را از میان برداشت. در کنار این کار ایجاد نهادهای مشخص جهت مبارزه علیه ناهنجاری‌های فرهنگی زمینه ساز راه‌حل و تغییر افکار در مورد آموزش دختران خواهد شد. و ایجاد چنین نهادها نیاز به یک برنامه‌ریزی مبتنی بر واقعیت‌های جامعه و درک شرایط دارد.

شورای‌های مردمی یکی دیگر از راه‌حل برای رفع محدودیت‌های آموزش دختران است زیرا در بسیاری از بخش‌های افغانستان، شورای‌های مردمی نقش سازنده‌ای در گسترش سهم دختران در رفتن به مکتب و دانشگاه داشته اند. به‌گونه مثال، دو سال قبل باشندگان ولسوالی ولسوالی لجه منگل ولایت پکتیا به یک فیصله شورای مردمی رای دادند که هیچ کسی نمی‌تواند مانع رفتن فرزندان شان به مکتب شوند و هر کسی که این فیصله را عملی نکند مبلغ پنج هزار افغانی جریمه و از عضویت شورای مردمی حذف خواهد شد.

افزایش آگاهی عمومی، از راه‌های دیگری است که می‌تواند نقش موثر داشته باشد. در صورتی که ما بخواهیم جامعه سنتی افغانستان موانع تحصیلی را از سر راه زنان بر دارند و به آنان اجازه دهند تا به عنوان انسان از حق اساسی آموزش بر خورد شوند باید از طریق تبلیغات و افزایش آگاهی عمومی ذهنیت بسته و سنتی مردم را تغییر داده و آنان را به این باور برسانیم که زنان باسواد می‌توانند در بخش‌های مختلف اجتماعی در جامعه مفید و موثر باشند. رسانه‌ها می‌توانند در این راستا نقش مفید در تنویر افکار عامه و تشویق آنان برای شمولیت زنان در مراکز آموزشی داشته باشند.

فشارهای جامعه جهانی و نهادهای حقوق بشری یکی دیگر از عوامل موثر برای برداشتن محدودیت آموزش زنان است که باید این فشارها به شکل لازم، هدفمند و متواتر وارد گردد تا بالای حاکمیت موجود موثر واقع شود.

نتیجه‌گیری

تحصیلات عالی برای مردم افغانستان ضروری بوده زیرا افغانستان در دام ارزش‌ها و سنت‌های قبیله‌ای گرفتار است که آن ارزش‌ها و سنت‌ها باعث جنگ‌های خونین میان اقوام و گروه‌های مختلف در کشور شده است. نهادهای آموزشی اگر در کشور گسترش و رشد یابد، سبب گسترش ارزش‌های جدید در جامعه می‌شود و این ارزش‌های جدید به جای ارزش‌ها و سنت‌های قبیله‌ای، زندگی افغان‌ها را معنی می‌دهد.

تعلیم و تحصیل با تربیت افراد جامعه و دگرگون کردن طرز تفکر آنان می‌تواند بزرگ‌ترین خدمت را برای تحول و تغییرات اجتماعی رونما سازد. در حال حاضر تعلیم و تحصیل به عنوان موثرترین ابزار جوامع برای حل چالش‌های حال و آینده محسوب می‌شود. اگر بخواهیم جوامع توسعه‌یافته را با جوامع عقب‌مانده مقایسه کنیم، می‌توان گفت که انسان‌های این دو جوامع از نظر فکری و فرهنگی و به‌طور کلی خصوصیات فردی و جمعی با یکدیگر تفاوت دارند و تعلیم و تحصیل منبع مشترک همه کشورهای پیشرفته است و همین عامل اساسی در تفکیک کشورهای پیشرفته از جوامع عقب‌مانده، مهم تلقی می‌شود.

بنابراین تعلیم و تحصیل زنان یک جامعه از اساسی‌ترین عوامل موفقیت کشورها محسوب می‌گردد زیرا یکی از شاخص‌های توسعه، سهم و مشارکت زنان در تعلیم و تحصیل است؛ چرا که تعلیم و آموزش زنان، منجر به توسعه‌ی اقتصادی و رفاه می‌شود و میزان فقر را به سرعت کاهش می‌دهد. اقتصاددانان نیز بر این باورند که یکی از مفیدترین سرمایه‌گذاری‌های کشورهای در حال توسعه که مفاد آن به سرعت به دست می‌آید، سرمایه‌گذاری بر آموزش به‌ویژه آموزش زنان است و هیچ بدیل دیگر توسعه‌ی اقتصادی و فقرزدایی، بدون در نظر داشت آموزش زنان، موفق نبوده است.

از اینکه افغانستان در بیست سال گذشته در بخش تعلیم و تحصیل پیشرفت‌های خوبی داشت و زنان به عنوان رکن اصلی جامعه از حق تعلیم و تحصیل برخوردار بوده و در این عرصه شاهد توسعه بودند؛ نیاز مبرم است تا تمام دست‌آوردهای عرصه‌ی تعلیمی و تحصیلی کشور ضمن حفظ و تقویت؛ زمینه‌های لازم برای تداوم آموزش زنان مساعد گردد.